

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوهستان

ناشنه تفصیلی

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

شماره ۲۶

شنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

پس از توقیف

XXXXXXXXXX

نامه کوهستان برای یکماه توقیف شد و مدت چهار هفته تناس ما با خوانندگان ارجسند قطع گردید.

نامه های متعدد خوانندگان که از توقیف روزنامه اظهار تائیر و نفرت کرده بودند ما را یادآور این خدمت اجتهادی خود یعنی کوشش در نشر نامه کوهستان بیشتر تشویق نمود و ما را بآپایه امیدوار تر ساخت.

توقیف روزنامه در اندک زمانی بگردستان رسید. اگر از بیم احساسات مردم بود همان هایی که سابقا بافتضار مخالفت با نامه کوهستان شام ها میدادند و با ده هامینوشیدند از دریافت نوبت توقیف آن قطعا جشنها پیا میکردند و رقصهایی را که سابقا در تارابکی میکردند بنسبست توقیف کوهستان در روز روشن و ملاله عام میشدند.

بجز اینصکه نویسنده توقیف نامه کوهستان رسید بگردستان فرمانداری نظامی آنها (که چند روزی بود برقرار شده بود) سیل دژین و پاسبان خانه های مردم سر از بر کرد تا روزنامه های شماره ۲۴ را که بین مردم توزیع شده بود جمع آوری نمایند بک هفته بعد که شماره ۲۵ رسید نایبند ما را درستندج (آقای عباس آزاد بود) فرمانداری نظامی احضار کردند تا از او تمهید بگیرند از توزیع روزنامه بین مشترکین و فروش ب مردم خودداری کنه ولی او چون این تمهید را نسرید بازداشت شد شماره ۲۵ هم با این مقدمه بدست مردم رسید.

توقیف آقای آزادپور، نایبند ما درستندج موجب اعتراض دادستان گردستان شد. لشکر ناجا قرار بازداشت موقت مشارالیه را صادر کرد.

مامورین شهر با بی موصوما پایسور لایبنای برای خود شیرینی شب اول برداشت و با بالو پشت و رفتار و از ملاقات حتی - گردیکاش منع نمود دو حالیکه دستور داده شده بود مشارالیه را در محیط شهر با بی تحت

نظر باشد. دستر شماره های ۲۴ و ۲۵ دست ضبط گردید و با این کیفیت اولین اقدامات رسمی وطنی فرمانداری نظامی گردستان بر علیه روزنامه کوهستان آغاز گردید. اقدامات معنیانه از چندی پیش شاید از تاریخ انتشار اولین شماره نامه کوهستان بر علیه ما آغاز شده بود زیرا ساختنی میدانستیم و این حقایق را مینوشتم و جدا جلوگیری میکردیم از اینکه مردم نشر بیاید، روجه مردم را سخت و نرسوده کنند و آنان را از دولت ما بر سر گردانند. اشتباهاتی که رخ میدادند تذکر میدادیم سوء استفاده ها را شرح میدادیم. اولیای دولت را بر توس مسائل واقف میکردانیدیم و از ادامه بازار هرج و مرج و تاراج و بنها گری جلوگیری نمودیم.

بدیهی است این اقدام ما بسرای کسانی که منافشان دیگر باشکال و سفشی تامین میشد بس ناگوار بوده خود سر بیها و جناحانی که تحت عنوان منضیبات و عناوین سانسکی دیگر اجرا میشد بیبایست منوع گردید.

مردم رفتی بیدار و تا حدی امید وار شده بودند و جراتی پیدا کرده بودند که نارضایتی های خود، ظلم و جور را که بآنان میشد اظهار نمایند بنا بر این بازار رندان تا حدی گساده شده بود. ما خود نمیدانیم که نامه کوهستان مراحم پول خودان و شیدان و برهم زنده قشقه سنگران و غلغله ان بود کوس رسوائی پابوش سازان و پرورنده سازان زده میشد. و رفته رفته نظر اصلاحی د مردم ایجاد میگردد.

واضح است آنهایکه اصلاح اوضاع را بقلع خود نمیدانند باید بهر چیز پیدای ای بینند و هر موضومی را بشکلی که نظر آنان را بهتر نمایند کند جلوه دهند ما تمام اینها را میدانستیم و خوب مخالفان خود و نظریات خود آنان را نمیبید. بودیم ولی فکر وصل ما که با حقیقت و صداقت و وطن

پرستی توام است باید پیش برد ممکن است چند صباحی حقیقه را بوشانید و ظاهرا قلیل مدتی مگر و تلویبر برداشتی و دوستی و شیانت بر خندت غلبه کند ولی قطعا قابل دوام نخواهد بود. پیشرفت برق آسای تلویبر و نا درستی شکست برق آسایر آنرا در بر خواهد داشت.

ما باطمینان کامل بحس فداکاری و حلیقت و میهن پرستی خود دومبارزه مندس که بر علیه ما با کون و بر علیه آنها یککه مصالح منلکت را فدای نامین نظره های خصوصی خود مینمایند آغاز کرده ایم. لطعا بیروزمند خواهیم شد.

ما از فضاوت سرسری بی اطلاعات و با تبلیغات شوم مفرضان باکی نداریم زیرا برای تمام نوشنیبات خود مدارک قاطع داریم و نوبت میدهیم آنها یککه دو منطقه گردستان بر خلاف مصالح منلکت بهر اسم و رسمی خرابکاریها کرده باشند از تنبیه در امان نخواهیم گذاشت.

ما مدتی راجع بفرمانده لشکر گردستان سر تیب هوشنه افشار بالعلن های مختلف مطالبی مینوشتم نوشته های ما را بنا بر این مختلف تفسیر کردند ما را حامی غارتگران خوانند نوشته های ما را موجب تجاسر هشتر نامیدند و شاید بسیار چیزهای دیگر هم گفته و نوشته باشند که مانود اطلاع نداریم ولی ما چون جز وظیفه ملی و ایران دوستی خود جز خدمت واقعی بآب و شاک خود نظری نداشته ایم نتوانستیم برای هیچیک از این نسبتها دلالتی اقامه نکنند صرف ادعا بود. ولی ما برای تمام مطالبی که مینوشتم دلالتی داشتیم و نوشته های ما را مخصوصا ستاد ارتش که از جربان اوضاع مطلع بود خوب میفهمید و میدانست که حق با ما است و شاید همان عبارت منضیبات یا مصالح عالی کشور که بهمه چیز اطلاق میشود ایجاب میکرد که بنوشته ای ما جوابی داده نشود و شاید همان مقتضیات هم ایجاب کرد که روزنامه ما یکماه توقیف شود.

ولی چیزی که مسلم است آن است که «مصالح عالی کشور» ایجاب کرد که سر تیب هوشنه افشار از گردستان احضار شود مصالح عالی ای که ما ما ماضا فریاد میزدیم بالاخره امروز جامه عمل بخود پوشید.

ما از این اقدام ستاد ارتش اگر چه چندماه دیر انجام شد متشکریم و اطمینان داریم اگر مامورین بانه بر و وطن پرست در مناطق کرد نشین انجام وظیفه کنند آب از آب تکلان نخواهد خورد و کوچکترین صدای ناامنی از این مناطق بگوش نخواهد رسید.

اگر چه فراین نشان میدهد که ستاد ارتش پس از تحقیق کامل و ثابت شدن عدم صلاحیت هوشنه افشار برای منطقه گردستان بتعویض او مبادرت جست ولی اگر کوچکترین تردیدی بمانی باشد ما حاضریم در سمیت کبیسونی مرکب از مامورین عالیرتبه و پاکدامن لشکری و کشوری که بگردستان اهرام بود غیبط و غشامانی که بفرع بیوسته و سوء نیت می که در این چند ماه در اواسط گردستان بکار برده شده روشن و آشکار سازیم و ثابت نماییم تمام آن چیزهایی که تا بحال نوشته ایم بک نمونه کوچکی بیش نبوده است.

مردم از ما مورین خوب اظهار رضایت و امتنان می نمایند

و بهمان میزان هم از ما مورین بد و

خودخواه متعمرند

از میان تلگرافهای متعددی که در این مدت یکماه توقیف روزنامه رسیده، ذیلاً سه تلگراف را بنظر خوانندگان میرسانیم که یکی با ضای هدای از مشهدین سقزو دو تلگراف دیگر یکی با ضای جناب سید زینب و دیگری با ضای جناب شیخ عبدالقادر جنت دره است که هر دو آماپان از مشاهیر منطقه سقز و طرف اشناد و توجه و علاقه مردم بوده هوا خواهان و منتقدین زیاد دارند.

ما با درج این تلگرافها که از نوع احسانات مردم مطاع سقز است توجه ستاد ارتش را جاب نموده انتظار داریم بادت و مطالعه لازم مفاد تلگرافهای فوق را مورد توجه قرار دهند.

تلگراف محترمین

ستاد ارتش کپه مینا نامه کوهستان در خرداد جاری تلگرافی از حسن طبیب و بذل مطوفت و مراقبت امور افراد این منطقه از اقدامات حضرت سرهنگ سارمی فرمانده تیپ ۱۱ سقز که ذات مقدس ایشان در این حوزه و منطقه پایتک استی و نظر بی طمنا در احیای خرابی مملکت و تأمین اهالی سقز و بانه و شاه برستی و مین دوستی در هر مورد نظر بی آرایش خود قرار داده اندیم صوم طبیبان علمای و مشتمدین و وهابا از این حسن استیجاب بدعا گوئز و بقاء ذات اقدس ملوکانه مشغول زیرا دراز رفتار غرض و تصایح و بیانات شروای فرمانده ناچبرده صوم طبیبان مردم را بسراحم ذات اقدس همایونی شامشاهی و اولیاء امور امیدوار بوده و انتظار داشتیم که ستاد ارتش در مقابل زحمت و سرپرستی ایشان باین تیب و منطقه توفی مقام و پاداش یکی مرحمت فرماید که سایر ما مورین نیز تاسی و پیروی از اخلاق یک معزی الیه بنمایند اینک باینک دنیا تاسف و سوگواری عرض میشود که فرمانده محبوب ما که خیالش جز راحتی و آسایش صوم مردم این حوزه نظر دیگری نداشته بر مرکز حرکت وطن اطلاعات و امله از سرپرستی این منطقه استعفا داده است صوم از ریاست ستاد ارتش که شخصی با شرف و مین دوست میباشند استعفا میسالم سرهنگ معظم له را با هودت داده و بسراحم خود امیدوار فرمایند هیئت علما و مشتمدین و اهالی سقز محمد امین خادمی محمد خادمی علی حسین محمد سعید حسنی حسین حسنی رشید خلوتی بهاء الدین حسینی موسی الدین محمد حسینی امام زاده مدرس امام زاده

مجموعه علمی و ادبی و تاریخی ماد

اولن شماره مجموعه علمی و ادبی و تاریخی ماد در اول شهریور ماه انتشار یافت .
موسس و نویسنده این مجموعه آقای محمد کیوان پور مکرری با ذوق سرشار خود خدمت قابل تقدیری شروع و امیدواریم با قدرت و حسن استقبال علاقمندان در این کار نیک توفیق یابند .
برای اینکه خوانندگان از نظر موسس در انتشار این مجموعه اطلاع حاصل نمایند استی از مقدمه شماره اول ماد را ذیلاً دوچ بنماییم :
«سرمین گشته و حاصله بجز ماد از سه هزار سال دیر باز زادگاه یا کنسیرین فرزندان آدمی و طایفه ماد از رشیدترین

و سلطنتورترین خانواده های آریا بوده است .
تعمیق و تبیح در آثار و فرهنگ این سرزمین از زمانهای قدیم الا بر مناسط بیشتی از تاریکی های تاریخ را روشن و بسیاری از لغزیدگی های مورخ نمایان را آشکار میسازد بخصوص اینکه بهت در عادات و رسوم طوایفی که در این سرزمینها مسکن دارند از شیرین ترین مباحث و معمول فرهنگ باستانی ایران و مطالعه آن لذت بخشترین و دلکش ترین قصه زخمه هاستشار میروند .

ما میگوئیم در این مجله دانستها را از آنچنانکه هست (نه آنچنانکه میخواهت بنمایاند) بدیگران بنمایانیم و نیز از آخرین اقوال و تعقیقات دانشمندان علم تاریخ و فقه الله خوانندگان را بیا کماهم

مضرب سقز جلال و کیلی محمد کلاتری سیف الله دارائی محمود حمای محمد اردلان طبرضا اردلان طاهسری محمود حمای امان الله اسکندری تیمور زاده محمد اخوان امام زاده سر دفتر شماره ۲ سقز .

تلگراف جناب سید زینب

ستاد ارتش کپه مینا نامه کوهستان کپه مینا آقای صدر قاضی نماینده مجلس از حسن نیت پاکه استی و نظر بی طمنا حضرت سرهنگ سارمی فرمانده تیپ سقز عام حوزه گردستان را احیاء فرموده نظر درویشانه بیچینه و بیا عرض استعفا دارم معزی الیه را مقام فرماندهی سابق اعزام فرمایید باعث اطمینان صوم باد ترخواهشده خادم تقرا سید زینب

تلگراف جناب شیخ عبدالقادر جنت دره

ستاد ارتش کپه مینا نامه کوهستان داهی گوشه گیر دو مقامات عالی آبراز وجود تکرده نظر باینکه جناب سرهنگ سارمی بامهبت پدوانه و تصایح معترمانه صوم طبیبان را بسراحم اولیاء اعلی حضرت همایون شامشاهی اروا شادان اولیاء امور امیدوار بوده از ریاست معظم ستاد ارتش استعفا میروند سرهنگ نامبرده را برای اصلاح نامه هودت فرمایند .
عبدالقادر حسینی جنت دره

وقایع آرارات

۱۴-

ده اتای قیام شیخ سعید حاجی موسی بیک و خالد بیک جبرالی در زندان بتلیس توقیف شده ولی حسین پاشا همچنان در ایل خود بسر میرد آتش افشانش با قیام عشایر جبران ، زوکان و حسنان محدود ایل حیدران رسیده از حسین پاشاهم وفای بعهده خود یعنی ملحق شدن بلیون را خواسته بود .

مشاور الیه با وجود پول زیاد تروت سرها و خود شفته اسکناس های ترک و دولتیان لیره های آتان شده بقدر اینکه منتظر جواب اسمعیل آقا «سپتکو» است ایام را گذرانیده بود تا شکست و گرفتاری شیخ سعید پیش آمد پس از این شکست همه ای از جنگجویان جبران ، زوکان و حسنان که بطرف سرحد ایران متبسی نشسته سین عبور از منقاعه ایل حیدران مصادف با جلوگیری حسین پاشا کرده اند . حسین پاشا مدت هفت روز راه را بر مجاهدین بسته بالاخره پس از جنگهای مجاهدین راه را بازو خود را بسرحد ایران رسانیدند .
دو اینجا بود که همکاری حسین پاشا با قوای ترک آشکار گردید . ولی مردان با شجاعت و ملت خواه ایل حیدران در ضمن همین زهو خود ما مجاهدین را باری توده وسایل استعلاص آتان و اراهم میآوردند .

چیزی که باعث بدنامی این طایفه شد یکی کشتن هونفر حسنی

ظاهر و بشیر نامان بود و در قریه کتهال بشک بدست قاسو کندیک و دیگری تحویل داند دولتر حسنی بنام حسن زبیر و شمس الدین لوند (از نوکر های سلیمان بیک) بزرگدارهای ترک . این دولتر راه را کم کرده بنزل بدری بیک وارد شد بوده مشار الیه بحکومت آباغا اطلاع داده بود حکومت هم چند نفر زاندام فرستاده در حالیکه این دو نفر دو اطالی دو منزل بدری بیک در خواب بوده اند آنها را گرفته بقدری زده بوده که حسن زبیر در راه بین بتلیس و نمرزان در ذری خلان زاندامها جان سپرده ولی شمس الدین که قوی بود ندرده پس از اینکه سه سال در ازمسیر زندانی بود فرار کرده خود را با آرارات رسانیده در دست فرزند بیک خدمات ملی خود را ادامه داد .

ولی افراد نجیب دیگر ایل حیدران باند کلازی بهایی که بنام داد راه ملیت از خود نشان دادند و با خونهای که تاو آزادی کرده این دو حادثه تنکین را شستند .

کوه حسین پاشا با شرکت توفیق با حرکت ملیون نه تنها طلبه حیدران بلکه ایلهای بزرگ سیلان - جهالی - سیکان و طوایف دیگر کرد را هم بر جای خود نشانیده بود .

اتصاف حسین پاشا بنزاد کرده و از بودن نام کرد برایش مستلزم حقوت بود و خدنگگذاری بدولت نمیتوانست او را از حقوت نجات دهد از این جهت پس از بر طرف شدن فاصله شیخ سعید در وسط زمستان مشارالیه از طرف دولت بازداشت شده با خانواده و فرزندان با وضع اقتضای آمیزی بنطقه غربی ترکیه تبعید گردید .

بقلم آقای میر محمدعلی مشیری (مشیرالافراد)

کرد را باید تشویق و نوازش نمود



آقای مدیر محترم نامه کوهستان - مقدمتا این جمله را متذکر می‌شوم و بعدا مبادرت با عمل مطلب می‌نمایم مشنیم که دستور درج در آن گرامی نامه فرمایید.

سلسله نسبتا پنجاب منتهی میشود به اعدان نبوت چند پشت پدرانم در سنج جنبه تقوی و روحانیت داشته اند مسقط الراس من هم سنج است ولی از طرف جده مادرم رشته ارتبط میرسد بیستغرا از ایلخانی های کرد که در زمان ولایت قدیم کردستان ساکن شدند و از اشخاص مهم عصر خود بوده است.

بعلاوه قرابت های سیسی متقابل با خانواده اردلان این مواضع را تجدید کردمو حسب اطلاعات من از روحیات اگر اکراد شده است این است که مقداری از آنرا تذکر می‌دهم بدی است که بیان این اطلاعات تا از جهت همین است بلکه مناسبت پیشه و شغل رسی است که هیچوقت از این حقیقت و حق گذاری خود داری لغو هم کرد.

حالا روح سر مطلب - چون در نامه کوهستان ذکر می‌شود از خصایل کرد و سلاط کردستان میشود منم توبه خود مضمهری از آن را یاد آور میشود که مورد توجه خوانندگان گرامی و اولیای امور واقع گردد.

جساعت کرد اغلب مردمان باشجاعت وشهامت و سخاوت و هوش و لغات همدنی دوسظروطن خود شجاع و دلیر میباشند و حسب من راز ارکان ایسان میدانند نسبت دین و آئین اسلام را کلا معتقدند شهرتین های بزرگه لثین ها و جادو لثین آقاها با میهمان لوازی و نان مہی را وظیفه ختیه خود مینموندند از واردین به خانه خویش باجبه گشاده پذیرائی میکنند و مسدان غایت الجود بدل الموجود را نسبت با نان و هات کامل مینمایند البته منمائی ختینی سخاوتمین است که آقاها سناز خود فرار داده اند که از مفاخر و مزایای ایران باستان بشار می آید و این ویو رفتار در اعیست و مومنت ایران بی اله ازه موثر و ملیه و قابل تمجید خواهد بود.

سلطان وقت را واجب الاطاعه میدانند و در نماز روز های جمعه خطب را بنام میخوانند و بسن ملاحظه است که برای صحت امورات حسه خود نصب شیخ الاسلام را از طرف سلطان لازم دانسته اند.

مراتب هوش و فطانت جاعت کرد هم درجه ایست که در تطبیق و تسلیم فرهنگی قریبا کوی سفت میریابند و اگر و سایل کلا برایشان میسر شود سزودی قنون صنعتی کشاورزی را موافق اصول علمی امروزه درک نموده و خود را بی نیاز خواهند نمود چنانچه مثلا نیز غالباً دارای صنایع پدی و آرامم زندگی هستند تا اندازه صنعتی از انبیا میباشند.

قنون ادبیات کردی و فارسی را غلبی خوب دارند چنانچه آثار طبع آنها بگوش شنونده رسیده و مستحسن بوده است بند براین سزاوار است که از طرف اولیای امور نسبت با کرد ابرائی تواد تشویق و نوازش وائی بدل آید تا موجبات دلگرمی آنها فراهم آید و برویه دیرینه خود کشور ایران را جلوه و رونق بزرادهند -

ضنائین قست را هم باید دانست و از جهت مصلحت نصب الممن نبود که ایران باستانی اهم از کردو غیر کرد لازم است که همیشه در تحت پرچم یک حکومت ملی و اجناسم اداره شود و عموما بالنسبه از منوی قانون و فرها که بهر سده گردند و چون تمام اهالی کشور باستانی ایران بشرله اهل یک خانه هستند برادر و اورومات هم از تربیت اخلاقی ورشد زندگی برخوردار شوند و در همین حال البته این نکته را نیز بایستی تصدیق داشت که در موقع ضرورت اصلاح نوه مجربه حکومت ملهم که صکی طالب و خواهان آن حکومت هستند ضروری است زیرا وفاء و آسایش عمومی منوط به نظم و امنیت کامل کشور میباشد و مسلما فقدان آن قض غرض است و حفظ جان و مال مردم مشکلو صر خواهد بود.

میدان هوس رانی

رسیده بودم در اتشوبن به مغاره تلگر اف هائی برای ابقای فرمانده لشکر نبوداگر چه این تلگر افهاو نام تلگر اف کتسکان در جراید منکس نشه ولی واضح بود که ستاد ارتش بچگونگی امر واقع شده و دست هر یک را خواسته است.

گویا پس از اقدامات مستند به ستر رفه تادو میان مو فاین خود! این زمانه امان موتری جدول فرماید متاسفانه چون بست خیلی دیر میرسد و کافه ها سانسور میشود و بعضی تلگر افها هم مغایره میشوند جزو ایت اقدامات ایشان هنوز بر ماروش نشده.

انتظار داریم حلافندان با ملاح اوضاع کردستان از جزئیات اقدامات ایشان آوا مستحضر گردانند تا ما هم توبه خود اطلاعات واصله را با استخبار خوانندگان رسایند تا چنگی بدانند کردستان دستخوش چه تحولاتی است و چه جانورانی بجان سردم بیچاره آتیظ افتاده اند.

ولی غیر خواهان به آقای معیط که میدهم بهتر این است هوس و کالت ساز را برای این دوره که قریب پایان است و برای دوره آتی ز سرور کنند و فعالیت خود را در نواحی دیگر که بهتر برای قبول ناپندگان تحبیلی آماده است بکار بندند.

در این دوره تا حدی قطعاً ایشان دریافته اند مردم با سانی زیر بار و کالت ایشان میروند بقیه برای دوره آتی اشکال ایشان برای داشتن ۱۳۰ الی ۱۴۰ برای برانست دشوار تر از دارا بودن اکثریت دوره فقی است.

اگر لازم شد در این باب معلقتر خواهیم نوشت.

در معیط آرام شهرهای کردستان از چندی پیش تمام فغانی پاشیده شده همه ای به تشویق و عده ای به تهدید علم مخالفت را برضد بکدیگر بر افراشته اند در این موقع که بنگانه علاج اوضاع غراب بنگانگی و اتقان است و تنها در سایه تشویق مساهی کامل و بیفرضانه میتوان از بسیاری از غرابها جلوگیری نمود بدینخانه این دست بند به باد بختی رید بختی ها از خود دست سرمنشاه این فساد کلام علوم و آشکار است و آنهاییکه آلت دست و غرض روزی این ذآن شده اند و بانگاه تعداد معدود آنها نظام رانی میشود کم کم اشتباه خود واقع گردیده است این افکار بوسیله ماجراجویانی که تنها نظرشان تیبیه یا تارن مقام برای استفاده شخصی است تبلیغ میشود و این آتش فغان را استادان دامن بزنند و گمان میکنند در این دقایق آخر از این اوضاع آشفته مسکن است استفاده ای بر نرند و از این خوان بیصاحب طعمه ای بر گیرند.

تا روضیه شروع این اقدامات برای ما روشن است مدارک و رشده کافی هم موجود میباشد با نظار اینکه تیبیری در اوضاع اصل آور برودی پدید آید از ذکر آن و متاثر ساختن خوانندگان خود داری مینمایم ولی اگر این رویه برودی متروک نشود تا کبر مطلب را روشن تر تشریح خواهیم نمود.

طبق اطلاعاتی که اخیرا رسیده آقای حبیب الله معیط که بنام نایب ستر کرسی از پارلمان و اشغال کرده و هنوز هم نایبندگی او صرزیست باید اینکه از این مومنت استفاده نماید بگردستان مسافرتی کرده است.

ورود فرمانده

لشکر کردستان بهران

آقای سرتیپ مایولی فرمانده لشکر کردستان دو سه روز است بطهران وارد شده اند.

انتظار داریم هر چه زودتر کارهای ایشان در تهران پایان رسیده بگردستان هزبت نمایند و بیژ امیدواریم ایشان در ماموریت جدید خود کردستان بتوانند خدمت واقعی بسالمت بنمایند.

ما هم سعی میکنیم واضح با ایشان اطلاعاتی کسب نموده با استعمار حواتندگان ارجسته برساییم.

جریان مسافرت ایشان بفرار از بیل است چندی قبل اطلاع دادیم و در فراز روسای ایل تیلکوهی که از خدمتگذاران دولت هستند و بوندهای غیر قابل انکار آنها در ستاد ارتش و وزارت جنگ و نصرت و لیری وزارت کشور و لشکر کردستان و تیب ستر و غیره موجود است برای عرض شکایاتی بطهران آمده بودند شکایات صریح آنان با وجود توقف چند هفته در تهران به نتیجه ای نرسید آقای معیط از این فرصت استفاده نموده سمیت آنان به سنج مراجعت نمود تا خدمتگذاران را در پیشگاه فرمانده لشکر کردستان شلیق شود که از سرتیپ بر آنان که بیایند آمده باولیای امور بنشاه شده اند سگزدند.

همانطور که پیش بینی میشد که تنها این دولت خدمتگذار مورد لطمه و عنایت فرار نکرند بلکه در حضور آقای معیط هم مورد سرزنش و ... واقع شدند.

آقای معیط که بدین وسیله خود را به فرمانده لشکر سناز کردستان نزدیک نموده بودو شاید خوش خدمت هم بنسفرج داده بود در سنج بدستور با افتاد خوب مومنی بود بود زیرا ابلاغ اخبار فرمانده لشکر

شماره های ۲۵ و ۲۶ نامه کوهستان در سنج و سز توقیف شده از فرمانداری مقامی کردستان با بست خانه که فعلا این روز نامه ها را ضبط کرده اند درخواست میشود اگر آنها را مصرف نموده اند چون دیگر برای آنها باقیه ای ندارد عینا با داره روز نامه آماده دهه (زیرا مورد احتیاج میباشد

بنام آقای عباس آزادبورد

ازستج

و کلاهی محترم ما - اداره کل غله توجه فرمایند

انحلال شصت فزه کردستان چه اثری دارد

تتها حاصل دشتهای شرقی کردستان عبارت از غلانی است که در ابارهای یلاق - اسفند آباد و سوسوود جمع آوری میگردد . چون خوراک شهرو یادگان نظامی آن از دعات حومه نامین میشود دولت برای رفع نیاز مندیهای سایر نقاط مازاد مالک و رعیت و ادوخت تظه تسکر و بدون اینکه احتیاجی به میور جنس از اعطای شرقی کردستان باشد باتوجه عدم امکان حمل و نقل از اعطای عوارض زمین تنس و سایل باوری در انبارهای فرعی فوق الذکر در سال قریب ۱۵ هزار تن غله آماده می شود و از آنجا با ماشین های دولتی باغیر دولتی بنقاط دیگر ایران و با خط و کالی بهر معالی که لازم میشد با کمال سهولت جنس حمل میگردد و با این عمل دولت صرفه جویی قابل ملاحظه ای در هزینه حمل بعمل می آورد زیرا دیگر هزاران تن غله را از سد ها کیلو متر راه صعب المیور و ناهموار حمل نمی نمود

از طرفی هم تولید کنندگان بیاباز فروش بزرگ دسترس داشته و این تسهیل مشون دهانین شده که بجای اینکه برای کار بشهر هجوم میاورند در دعات مانده زمینهای باهر آباد و بدین ترتیب حاصل موتوری در آبادی فراء و تهیه محصول در نقطه شرقی کردستان میگردد .

این رویه در سالهای ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۱۳۳۰ هم ادامه داشت دولتای جدید که باید برنامه خود را روی بهبود اوضاع فلاحتی مملکت متکی کنند بسیار ملاحظاتی که صرفه آبی آنرا پیش از سود نهائی تشخیص داده اند بهماذیری از قبیل تقابل کارمندان - انحلال بار بری - نبودن انومبیل وغیره شیبات مزبور را محل و مالک و رعیت این سامان را بجای تشویق به کوشش در ازدیاد محصول دلرد ساخته .

نایندگان محترم کردستان بهوسیله از اهمیت منطقه شرقی کردستان از اعطای کشت غلات خوب مطلعند امید است دولت را متوجه احتیاج خود نموده که افلا با تلیل صدی بیست شیبات منظور کسر بودجه و امرت کنند زیرا اتمال چهار هزار تن کتدم از متنها الیه خاک جنوبی کردستان بستندج و تسکر کتدم دهگلان مرکز یلاق در شهر و انتقال مجدد آن بسیار شهر ها حساب کراهه اتلاف وقت ، سدود شدن راه زمستانی آن پیش از بر آورد سودی است که از منحل نمودن شیبات فرمی بدولت بر میگردد . زیرا حاصل یک تن کتدم از کامیاران یا دهگلان بشهر و بر گردانیدن آن بنقطه میده و ارسال مجدد از میده بنقاط مین آهم با توجه کامل باقیم کردستان و موانع طبیعی و جوی آن کاری است بس مشکل و عملی است که متضمن خسارت کلی کشاورزان و انحراف عقیده زارمین از نلاحت خواهد بود که زبان آن مستفیا متوجه دولت و ملت میگردد .

از طرف دیگر هر که توجه شود که غرمنهای نقاط سرد سیر یلاق تا ابان هر سال بر داشت نشود و اتقابل هفت هزار تن غله از کرده کذایی که در سال رسا چندین ماه سدود است و دولت هم با وزارت راه خود قادر بیاز نمودن آن نیست چگونه چند راس الاغ مفلک و مردنی دهایی بیچاره میترانند این نقل و انتقال عظیم را انجام دهند . در صورتیکه دولت با مقدورات خود قادر باین کار نباشد مالکین کردستان بانهان هیچ وسیله چگونه دوبر آوردن این مهم موفق خواهند شد

متفکر دقتی روغن میشاید که چون تلفات حیوانی و اذیت انسانی و دشمن عدم امکان کار دربر خواهد داشت و نتیجه غانی آن رگود بازار فروش غله فقر عمومی و بیچارگی کامل زارع کردستان خواهد بود .

این طرز فکر بنی انحلال شیبات غله و در صورتی بعمل خواهد وسید که دولت در همان محلی الا کامیون ها بنظر داشته باشد که فروخته گان بتوانند محصول خود را بار گیری نموده و بستندج برسانند و آن جا با انتاح راه پنچوین و عراق بازار فروش مازادی در عراق تهیه نمایند و تکرانی قاطبه تهیه کنندگان غلات را رفع

بنام آقای سلیمان برنی لسانیه خنوق

گرمانشالا متروک

از عهد عهد اگر بیرون آید مرد از هر چه که این بیری فزون آید مرد

پوش خوده کیریهای زیاد در این خدمت اجتماهی که هر عمران و آبادی کرمانشاه و ترفنی و تمامی کرمانشاهها و شتا-آیندن آنان به سایر هبوطان گرامی نظردیکری در بین لیست بالطف و کرم همیم خود معاضدت فرمایند مزید امتنان و تشکر خواه شد - البته مسنون میشود که از اطلاعات جامعتری که هر یک از خوانندگان گرامی داشته باشند استفاده نمایم و اگر بخواهند رنگارنده منت گذارند و برای ارسال دارند محققاً بنوبه خود در جاهای مناسب کجایند خواهد شد .

در هر حال مقصود از این جزئی تفسیر اینست که قبل از اینکه شروع بنوشش موضوع کنیم خوانندگان محترما بدرک مقصود خود آنگاه نمایم تا بعد ها از مفاد معنایی که بتقرشان میرسد در کم نشونه و باین سبب است که از اعطای روشن شدن اذعان بنوشتن این مقدمه مبادرت کردم انشاء الله امیدوارم بطوریکه وعده داده ام از هغه آینه شده از مطالب اساسی این کتاب را که بصورت مقاله در این گرامی نامه درج میشود بدترتیب زیر از نظر خوانندگان نظام بگذرانم .

۱- عوامل طبیعی - اقتصادی - روسی - سیاسی که هر چهار هلت و معلول یکدیگرند .

۲- سوابق باستانی و تاریخی کرمانشاه .

۳- موضوع احصای کرمانشاهان که متضمن فوائد عده برای آن سامان است .

۴- زندگی بزرگان و آزادبخواهان کرمانشاه .

۵- مجاهدین و مهاجرین در کرمانشاه

۶- مشروع طلبان تهران و طرز پذیرائی از آنها در ایل سنجایی .

۷- ایلات و عشایر کرمانشاه .

۸- طرز زندگی و عادات سرداران شایرو و هایب آنها

۹- حلت انستراط اخلاقی کرمانشاهها از لحاظ پیکولوژی (روان شناسی)

۱۰- حلت عقب مانده کی کرمانشاه و سیر تفراتی آن

۱۱- راهنمای عمران و آبادی کرمانشاه و ترفنی و تمامی کرمانشاهها

۱۲- نتیجه و نظریات ما و من الله تو لیق و علیه التکلان

از طرف آقای دکتر اردلان مدیر محترم روزنامه هفتگی کوهستان که با سبک و روش مبتنی بروز نامه نگاری اشتغال ورزیده و با اسلوب صحیح نامه نگاری روزنامه وزین کوهستان را اداره می نمایند به نگارنده تکلیف شد که در اطراف امور تاریخی و اقتصادی و سیاسی و اجتماهی کرمانشاه که هم آهنگی خاصی با کرد و کردستان دارد مقالاتی بنویسم تا شاید افتخاری در خدمات برجسته و گامهای بلند که همزایه برای یک ایده آل عالی و تسویر افکار اهالی غرب ایران داشته اند تصمیم گردد این پیشنهاد را که متنها آرزوی دیرینه ام بود با کمال امتنان قبول کردم و چون از دیر زمانست که در صدد افتاده ام کتابی از هر حیت جامع راجع بکرمانشاه نالیف نمایم بنابر این از تمام کتابهاییکه شرح مختصر یا مفصلی راجع بکرمانشاه داشته است (چه کتابهاییکه سیاحتان خارجی نوشته و چه کتابهاییکه دانشمندان ایرانی تدوین کرده اند) تا آنجاییکه دسترس داشته است استفاده کرده و مورد مطالعه و بررسی قرار داده و از تمام آنها مصاره جمع آوری کرده و با اطلاعاتی که از خارج تحصیل نموده است در معرض استفاده خوانندگان گرامی میگذارد .

علیهذا از صوم خوانندگان بهصوم از هشرهای محترم کرمانشاهی تنی دارد از آنجاییکه مسکن است در نگارشاتیکه میشود اشتباهاتی رخ دهد برای تکمیل اطلاعات اینجانب و جامع بودن منته وجات کتاب برینده منت گذارده اطلاعات خود را به نیایی بانکه کشاورزی یا روزنامه کوهستان برایم بفرستند و اگر بر سبیل افتخار از اعطای تاریخ نویسی شایقی را از اوضاع و احوال ساکنین کرمانشاه برشته تحریر در مییابد بصداف (علو کردن از بزرگترین اعظم است) معلوم فرموده و

تند .
و اگر واقعا دولت احتیاج بهرید غله دارد و برای مصرف داخلی مورد نیاز میباشد باید الا نقل نصف شیبات سابق را بر باشد که هم مردم بتوانند بسپولت بیشتری مازاد خود را به شیبات تحویل داده وهم منظور دولت از صرفه جویی جامه عمل بوجهده باشد .

علم آقای محمد سرود (آبشار گردستان)

۰۶۰

گرد و گردستان

سنه اردلان

(حکومت مامون یک دوم)

پس از فوت بکه یک، پسرش مامون یک دوم در سال (۹۱۲) هجری بجای پدر نشست پس از دوسال حکمرانی از طرف سلطان سلیمانخان مغول دولت عثمانی لشکر ابوهی مرگ از بیست هزار نفر سوار و پیاده نظام سرداری حسین پاشا فرماندار عادی به تقاضای مملات مامون یک اول با آن دولت، مامور قلع و قمع اکراد و تصرف و تسخیر کردستان گردید.

مامون یک با چهار هزار نفر سوار برای جلوگیری حرکت کرده در ناحیه شهر زور تلافی لرینین پهل آمده. صبح دو شب ۲۸۵ ذیحده ۹۴۱ هجری طرفین شروع بکارزار میکنند لشکر کرد تا غروب آفتاب دور بر سر سیاه دوات عثمانی بباداری مینایند و طرفین تلفات زیاد میدهند شب که در میرسد مامون یک با پنجاه لشکر در قلعه زلم حصار می کشد دو نامه بدو میوی خود « سرخاب یک دوم» مامون یک « میبوسید که لشکر بکشد او بفرستند قریب یکماه با انتظار که بکار قلعه داری میبراد.

پس از یس از رسیدن کک و قطع ذخیره ناچار شیاه با چنده نفر از خواص خود بشیرل حسین پاشا سردار سپاه پناهانده میشود مشارالیه بکنفر از استبدین خود را با سفارش نامه و استدهای شفاعت همراه ایشان روانه دربار اسلامبول میناید لدی الورود مامون یک حسین و زبیر میشود لشکریان هم همان شب ولایت تصرفی مامون یک را تاراج نموده مراجعت میکنند.

(حکومت سرخاب یک)

اردلان (سرخاب یک پسر مامون یک اول، سوی مامون یک دوم هینگک از کاکای ماهری متصرف میشود دست و بست خود را جمع کرده در سال (۹۴۵) هجری تصرفات برادرزاده خود را تصاحب میکند. و قلمرو معد یک برادر کوچک خود را نیز با قهر و غلبه متصرف میشود و با شاه طهباسب مغولی طرح روابطی ننوده نامه و هدیه بدریاد آن شهریار میفرستد و اظهار اطاعت و اقیاد میناید در بلوک مریمان بالای کوه بلندی که در شمال جلگه واقع است قلعه مستحکم برای روز میاد است ساخته که حالا هم آثار آن باقی است و قلعه سرخاب یک معروف است.

معد یک برادرش که از هشتی مناطق

یک غزل گری

از طبع آقای علی میدری (سالار سید)

خسته و بیدار نوم ای روشی شیرینم ووه
چاوه وی دیداری نوم ای بار دیرینم ووه
روحه کم برزین بو حفظی گلی باغ رخت
ای گلی گلزار کی نوناغ و بر زینم ووه
دردی عشقی نوتغوشی خستوم ها تومه مرک
نک اجل مهلت نفا با ناوی بد بینم ووه
دل بریندارم به تیری نازی چاوی بازی تو
یوتشای زخمی دل بوسیری نالینم ووه
بلکه ام جاریش شفا میند دودی سختی هجر
بو مداوا ای طیبیم تا سکو بالینم ووه
من له دنیا دا به تنها طالبی ماچیکی نوم
طالبی ماچین نگاری چن و ما چینم ووه
من نهائیم بو نهائی نا زایم بو دینم
بازی وقتی مرک و وقتی دمن و تلقبتم ووه
غیر شمس الدین ناره از لوی دینی کسم
حیدری بو، ولی ای شسه کی دینم ووه
این غزل را آقای جعفر حیدری از تهران ارسال داشتند

بغله زلم میشود. هیال و اطعالم سرخاب یک را خفیج نجات قرار میدهند.

حسین یک سردار ایران شفاعت زن و بچه را قبول کرده. معد پاشا را باششمه نفر که همراه داشته سالها بدون خلق اسلحه آزاد و روانه دربار اسلامبول میناید خود حسین یک هم باغنامی استغفار می یابد. دربار ایران مراجعت میکند. سرخاب یک هم با کمال شوک و انداز بر مسند حکومت کتور کردستان استقرار یافته بچیران کسوات و تهیه نظام جدید و تکمیل اسلحه میبراد و مرکز حکومت را از قلعه زلم ببله مریمان انتقال میدهند آنجا را دارالملک کردستان معرفی میناید.

پس از این قضایا در تاریخ (۹۵۶) الفاس میرزا برادر شاه طهباسب که مدتی پیش از دولت ایران باقی و روگردان شده بود از طرف شاه طهباسب بهرام میرزا و شاه ولی خان میرداد و ابراهیم خان با بیست هزار سوار جنگی مامور تمایب و دفع فتنه او شده اند در حوالی شهر زور باو رسیده جمیت او را منهوم و متفرق میسازند الفاس میرزا با بیست و یک نفر از کسان خود بقلعه مریمان گریخته پناهانده ب سرخاب یک والی کردستان میشود. سرخاب یک عفو او را از شهریار ایران خواستار شده با تمام همراهانش بوسیله شاه نعمت الله قهستانی که سووردا شاه طهباسب بود روانه دربار ایران میناید.

شاه طهباسب شفاعت سرخاب یک را پذیرفته در جزای این خدمت بتواضعهای شاهانه مقتضی میسازد. و هر ساله بیکهزار تومان فقه هم از خزانه دولت بپسینه استراری دربار او بر قرار میدارد.

سرخاب یک را بازده پسر بوده (۱۶) سن یک (۲۳) اسکندر یک (۳۳) سلطان علی یک (۴۵) بقوب یک (۵۵) بهرام یک (۶۵) ذوالفقار یک (۷۵) هاشم یک (۸۵) شهسوار یک (۹۵) ساروشان یک (۱۰۵) قاسم یک (۱۱۵) بساط یک - از میان پسر ها سلطان علی یک را بجهه لیاقت و حسن سیاست جانشین خود قرار داده. و بتاسل بهرام یک پسر پنجم خود را حاکم روانه و عادیه اتوده. و بتاسل (۱۲۹۶) هجری اولاد و اخلاص حسین بهرام یک حکمران آن مقام برده اند معد یک که او را «میر روانه» گفته اند نوه همان بهرام یک است سه سالها با دولت عثمانی در زدو خورد بوده است سرخاب یک پس از سی سال حکومت برای آخرت خستاقه. سلطان علی یک جانشین او هم طولی نکشیده بیدر ملحق شده است. از او فوسنج « تیورخان» و «هلوخان» بجا مانده اند. بساط یک پسر یازدهم سرخاب یک که هس فاضل و کالی و لیروندی بوده با کثرت آراه و پیش سفیدان مقام فرمانداری را اشغال میناید.

میشود بدریاد سلطان سلیمانخان سلطان عثمانی پناهانده میگردد و مورد نوازش واقع میشود مامون یک هم معش دلجووی او از حسین و ج و ح « را که از تواج پنه د است برای محل معش خانه ایشان معین میکند. و رستم پاشای سردار گرم را با سی هزار سوار و پیاده در سمت معد یک و مامون یک مامور قلع و قمع سرخاب یک میناید در تاریخ (۹۴۷) هجری رستم پاشای امیرده خواص شهر زور رسیده سرخاب یک از قلعیه مستعد ر میشود فوراً اشتهزاد نفر میبرد کردس راه را با آب گرفته در روز پنجشنبه (۲۴) رجب (۹۴۷) هجری هر دو سینه در دست شهر زور با هم تلاطم نموده آتش جنگ شعلور میشود سواره اکراد در دانه می دهند سه مرتبه پیش از لشکر عثمانی را متناوباً شکست میدهند و تا غروب آفتاب لاله جنگ اشغال داشته میمانند درین دولشکر میمانی میشود و هر بیت او امگناه خود مراجعت میکنند.

مدت هشت روز زود خورد بانها پشت شدت طول کشیده. قریب هفت هزار نفر از لشکر روم و سواران نواز لشکر کرد کشته میشود.

بالاخره سرخاب یک در قلعه زلم - حصار می کشد و شما از شاه طهباسب تقاضای کله میکند مدت دوسال کار تحمل بطول می انجامد و لشکر روم از دادن تلفات بستوه آمده از تصرف قلعه نا امید میشود شتاخت و تاراج اطراف ونواحی میرداند که راه ذخیره بر قلعچیان قطع شود.

در یکی از حالات بقلعه زلم رستم پاشا زخم بر میدارد و بگری میشود. مصادف این قضیه خبر میرسد که یازده هزار نفر لشکر ایران سرداری حسین یک نام برای کک بدو فرستگنی قلعه زلم رسیده است سرخاب یک از رسیدن کک خوشحال. و سپاهیان روم تحرق ملال شده. رستم پاشا هم از اثر زخمی که برداشته وفات میکند.

سرخاب یک بجزد شنیدن فوت رستم یک از قلعه زلم بیرون ناخته. و حسین یک سردار سپاه ایران را هم مطلع ساخته متوجه روانه خود را بر قلب لشکر روم میزند و نظام لشکر را از انتظام انداخته همه را داغان و متفرق میسازد. او دوی ایرانهم که میرسد لشکر شکسته را متعاقب نموده چسبی را اسیر و عذرا طمه شتر میناید. باتیباله در سمت معد پاشا که یکی از صاحبان نامی دولت روم بوده پناهانده

آگهی حضور وراثت

بتاریخ ۱۳۲۴/۳/۲۳ - باوهمدم (مرشدی) بشناسنامه شماره ۶۵۰۱ استاد یکبرک کوهانی نامه و رونوشت شناسنامه ۸۵ رونوشت رقم نامه دادخواست شماره ۱۳۲۴/۳/۲۳۸ داده باینکه مرحوم مهدی محمد قهوجی دارنده شناسنامه شماره ۶۵۰۲ در تاریخ ۱۳۲۳/۳/۱۳ در تهران جایگاه حبسکی خود وراثت یافته متقاضی زوجة دائمی و آقایان محسن بشناسنامه شماره ۳۷۹ و اصغر بشناسنامه شماره ۳۷۸۴۷ و وراثتنامه شماره ۳۶۸ میران و دوشیزه سرور شناسنامه ۴۲۵۷۶ دختر متوفی و وراثت منحصراً میباید پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یک بار در روز زمامرسی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲ رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری

آگهی حضور وراثت

بتاریخ ۱۳۲۴/۳/۲۵ - آقای جهان بخش (ارجنده) شناسنامه شماره ۱۶۹۸/۳/۴۸۴ باستاند یکبرک کوهانی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۱۳۲۴/۳/۲۴۴ داده باینکه مرحوم ابراهیم ارجنده دارنده شناسنامه شماره ۳۹۱ در تاریخ ۲۴ مورماه ۱۳۲۳ در تهران جایگاه حبسکی خود وراثت یافته و متقاضی و آقایان نادر و هوشنگ و امیر میران و بانوان فخرالزمان و مهین بانوار جنده دختران و بانو طلبه ارجنده زوجة دائمی متوفی و وراثت منحصراً میباشند و بعداً بانو طلبه ارجنده دارنده شناسنامه شماره ۳۷۸ در تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۲۴ در تهران جایگاه حبسکی خود وراثت یافته و آقایان جهان بخش متقاضی و نادر و هوشنگ و امیر ارجنده پسران و بانوان فخرالزمان و مهین بانو ارجنده دختران متوفی و وراثت منحصراً میباشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد شد.

۳-۲ رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری

آگهی حضور وراثت

بتاریخ ۱۳۲۴/۳/۱۲ - بانو فرنگیس (جبران) بشناسنامه شماره ۲۲۴۳۵ باستاند یکبرک کوهانی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۲۴۰/۳۴۰ داده باینکه مرحوم ابو ملک (جبران) دارنده شناسنامه شماره ۱۹۹۰۰ در تاریخ ۱۳۲۳/۳/۱۱ در تهران جایگاه حبسکی خود وراثت یافته و متقاضی و نوح خان شناسنامه ۱۳۲۳/۳/۱۱ شماره ۱۹۰۷ خواهران و آقای میرزا [احمدخان] فروغ شناسنامه شماره ۲۷۰۰۰۰ برادر و آقای محمود [ابلسان] بشناسنامه شماره ۱۹۹۰۳ شوهر متوفی و وراثت منحصراً میباید پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲ رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری

آگهی حضور وراثت

بتاریخ ۱۳۲۴/۳/۱۸ - آقای غلامرضا (ذری بانی) بشناسنامه شماره ۳۳۱۸ باستاند یکبرک کوهانی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۳۳۳/۳/۲۴۴ داده باینکه مرحوم بانو بول (میرزا حسن) دارنده شناسنامه شماره ۲۰۰۶۶ در تاریخ ۱۳۲۴/۳/۲۱ در تهران جایگاه حبسکی خود وراثت یافته و متقاضی شوهر و آقایان محمد (ذری بانی) بشناسنامه شماره ۱۵۵ و محسن ذری بانی بشناسنامه شماره ۸۴ و محمود ذری بانی بشناسنامه شماره ۴۶۲ و داماد ذری بانی بشناسنامه شماره ۱۱۶۴ پسران متوفی و وراثت منحصراً میباشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲ رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری

آگهی حضور وراثت

بتاریخ ۱۳۲۴/۳/۱۹ - بانو فاطمه (حسن) بشناسنامه شماره ۵۸۵۱ باستاند یکبرک کوهانی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۴۸۳/۳/۲۴۴ داده باینکه مرحوم صادق (حسن) دارنده شناسنامه شماره ۵۸۴۸ در تاریخ ۱۳۲۳/۳/۱۱ در تهران جایگاه حبسکی خود وراثت یافته و متقاضی بانوان شوکت (صادق سلمان) بشناسنامه شماره ۵۸۵۴ و مغزی بشناسنامه شماره ۵۸۵۰ و زهرا حسینی - بشناسنامه شماره ۵۸۹۴ دختران و آقای حیدر حسینی بشناسنامه شماره ۵۸۵۲ - متوفی و وراثت منحصراً میباشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲ رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری

آگهی حضور وراثت

بتاریخ ۱۳۲۴/۳/۳۰ آقای سید اسدالله (نقنی) بوکالت از طرف بانو رفیقه سلطان (ارده زاده) باستاند یکبرک کوهانی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۲۳/۳/۲۱۱ داده باینکه مرحوم علی (حزیران) جایگاه حبسکی اودر پردیوه در تاریخ ۱۷ سائیل دو کربلا ملاقات یافته و بانوان رفیقه سلطان ارده زاده بشناسنامه شماره ۱۶۶۲۶ و سگینه حزیران الهی بشناسنامه شماره ۳۱۳۵۰ و زهرا (کریه زاده کواشتاوی) بشناسنامه شماره ۷۲ خواهران و آقای عباس (بابلی) بشناسنامه شماره ۴۷ برادر متوفی و وراثت منحصراً میباشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲ رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری

تلگرافهای وارده

از همدان

مجلس شورای ملی هینا کیه هیت وزیر کیه محکمه عالی انتظامی هسل دولتی کیه روزنامه کوهستان کیه اطلاعات این بنده عهدله قبادی که ابدی از مالکین ستر کلیایی هتم بهشادت دفاتر تمام مامورین کردستان و کرمانشاه مدت همرم را با هزرت نفس و صحت عمل بسر برده کوچکترین خیانتی نداشته ام. چندی قبل آقاییان ستوان جنجهی ستوان بهران استوار شرفی فرماندهان دست زاندارمری فرود ستر ده کلان بفریه کنکر ملکی علی اکبر موسی اخوان بنده وارو چون اخوان عمل بودن برای پذیرایی ایشان رفتن لندی الوارو مرا گرفته ده هزار تومان جریبه خواستار شدند از هیجگونه بیرحمی برای وصول وجه مزبور فروگذار نشوند از تلاق کای حتی قطع نان و آب و کلیه نقدیت و شش مرتبه بنده را با جمیع ترین هدایی دو بستند تا یک فرسخ و یک فرسنگ نیم با تهدیهات جانی فرستاده و هودت دادند چون قضیه دیگر برده پوشی می شده نامار بستند فرستاده و سبب بی گناه زندانی شدن آقای دادستان از ارم فرموده ولی میبایست مدتها در کنج زندان جان بدهم در برت دیگران نوم مرخصیم تصادف نمود بورود تیسار سر لشکر جهانیانی موضوع خود را کتابم روش داشتم و تماشای رسیدگی کردم جناب سر کرد فروردیور برای رسیدگی بسعل تشریف آورده بنده را هم برای مواجه حضوری با افسر ها و مامورین خیانت کار ایشان فروده کلان برده قضیه مشکوف ضحیرشان گردیده البته وجدان پاک آقای سر کرد سرور قبول نیکند حق باین بزرگی و این آشکاری پامال شود سکوت جاگر یز در ایندت برای هین

بود بغوی بمامورین صالح دولت معلوم شود که هیت حق پایل رشوه غوری و رشوه گیری مامورین است زیرا با این گذشته هم میخواستیم در ملک معضی خود عمران نایب آنا بان کروه بان نیبوری و کروه بان بها که دو نفر از همین مامورین هسته سیصد تومان شیرینی اجازه کل کاری از بنده خواسته بودند جواب سکرده و ندادم غوری بکنگر از مالکین معاور سحرک شدند که اگر ملک خود را آباد نمایند برای تبلیغ احشام شا خوب نیست مامورین ما میدهم جاو گیری کنید مشارالیه را و ادار هفت ماه عهده کار بنده را مانع از کار شده هر چند کسی تلگرافی به هتک زاندارمری ستهج شکایت نمودم سکوچکترین اثری نینشیدند دوازده خانوار هیت هم آورده بودم دیگر هیچوجه نوبدی مطمئن نی شدند ناچار عمل یک جفت زمین خود را بجمع خود رشوه دادم تا که باشند رعیت جاها گیر شوند و از این لاله بیست و چهار بیست پنجم هزار تومان خسارت کشیده شد ای بابی امور تا این اندازه باور نکنند بکنگر قاضی صحیح عمل بفرستید رسیدگی فرمایند بسوابق تا خوبی معلوم شود استعدای بیل توجه و اشتر دادند و نقره هاروت خود را که یک نقره لغت سکردن خودم در حضور افسر ها که سبب و سعت دو تومان پول و بعضی اسباب است آنهم معلوم شده و یک نقره هفتصد و پنجاه تومان وجه نقد است که عبدالعلی آدم بنده برای خرجی بنده خواسته بستند جاو در دوده کلان مامورین زاندارمری او را لغت نموده پنج شب هم محبوس کرده اند آقایان نایب کن باین وضعیت راستی قضیب میشود معنی دهم کراسی و عدالت این است باید رشوه بدهم چه کنیم پناهگاهی نیست خدا حق مظلوم را بگیرد عهدله قبادی

از سلدوز

بنگاه خالعه جات رونوش هینا جناب آقای صدر قاضی نایبند مجلس رونوش هینا وزارت کشاورزی رونوش هینا نامه کوهستان رونوش میانده آب بختنداری آقای فلاح راس خالعه میانده آب در اثر تهدید و تطبیح اشخاص بدون جهت باینده سکه رعیت مطیع خالعه در کار محسوس نلی ایرانی هتم و هرسال مبالغ زیاده نفع بخالعه میرسانم شدیداً معالجه در حدود یکمدر بیست هزار ریال از مال شخصی صرف هزینه وسایل تلاحنی وساختن کرده باوجود دایم در صدد بهانه جولی و اشکال تراشی است سه قطعه زمین که طبق بیان در اختیار بنده بوده از تصرف راج و برهاریا غیر خالعه بختیده کنن در اب در نوبه اسد هان برای زراعت چشندر هستان خودداری بهای صد هزار ریال محصول در خطر سوختن از بی آبی امرار دارد این مضمهر علاقه خود را که با خون جگر آباد کرده ام تحت فشار و زور کوشی میفروشم شکایت و تثبیت ادازات محل نتیجه ندارد استعدای رسیدگی فوری و جاو گیری از ظلم و خود سری و بیس خالعه دارم

نحاس قاضی

از سقز

ساعت مقدس مجلس شورای ملی رونوش هینا وزارت دارایی رونوش هینا کلی غله رونوش هینا آقای صدر قاضی نایبند معترم مهیار رونوش هینا کوهستان رونوش هینا اطلاعات رونوش هینا دلگت و وسیله تجارتخانه وفا آقای اردلان روی سوه نظر شخصی با تحریک آقای عبدالعزیز شیخ الاسلامی حسابدار مدوبیست نفر کارمندان هب منجمله کردستان به سر وارد تمام کارمندان قاطبه سفراطی حکم ابلاغی بدون تمین شغل دستور معرفی بکار گزینی ستهج اعلام مستعملی صورت مجوز قانونی تالیله غیر این سربعا نلی دستور صادره توجه امر با ابلاغ فرمایند

از طرف کارمندان غله سقز مصطفی شامی

از سقز

جناب نخست وزیر کیه وزیر عدلیه کیه دکتر کشاورز وکیل مجلس کیه نامه اقدام کیه نامه کوهستان نیدام بچه زیاری جواب ۸ نفر قضیب بدهم امامعلی موبدی شوهرم کشاورز بوده یک جفت زمین از حسن پاشا اعطایی ستوان نصفه کاری و شریک خود اعطایی بامدرک که در دست داریم کشت کرده و اعطایی بنای اجعاف نسبت بشوهرم نمود حسن پاشا اعطایی با ایت دولت شوهر مرا مقتول مینمایند چون شوهر مقتولم کشاورز است خوش بایمال میبخواهد بشود استعدا دارم امر فوری فرمایند مطابق قانون مجازات پرونده تشکیل دهند نه مطابق ثروت خون شوهر کشاورزم از بین بیرنه اثر انگشت سکنه موبدی شماره ۲۲۷۶

گذاشت

برای انعام دستور غوی بون چهار پسر و یک نوه حسین پاشا از وسط کردستان ترکیه و خود حسین پاشا و پسرش هسو و یک خواهر زاده دیگر و یک نوه دیگر از میان ایلات سرحدی جنوب ترسکه مازم آراوات شدند.

از دست اول ۶ نفرشان در هاری از طرف قوای دولتی معاصره و کشته شد دو نفر دیگر محمود و نادر نجات یافته خود را به کوی آگری ملجاء و مامن سته پدکن رسانیدند.

خود حسین پاشا در ازای خیانت هائی که به ملیون کرده بود با همرانش در به شب به گلوله های اکراد جان سپرد.

آن ثروت و منکت سرشار که برای محافظتش مرتکب خیانت شده بود در این فهاین آخر هم بارو فاکر کرده در حالیکه صاحب دهها هزار لیره هسانی بود باقر زندانش بی گنن مرده و اهازارها خانوار حیدری احدی بالای سرش بوده کسی لشش را بچاک نسبرده طمه حیوانات وحشی واقع شده بود بدین ترتیب تاریخ خدمتگذاری به دولت ترکیه و خنات بلس کرد و پادشاه اصالح کور حسین پاشا بته شده.

حاجی موسی بیک هم بازرنگی خاص خود را محبس بنلیس پس از معاکه از کشته شدن خلاص و محکوم به تبعید شده بود.

این هورنق قدیم در تبعیدگاه ابدین بکدبگر راپاقت از آنجائی که هردو روح آزادی داشتند تبعیه بودن را نتوانستند بخود هسوار کنند با بکدبگر قرار قرار گذاشتند حسین پاشا خانواده و بچه هایش را به هونظر از همرانش سبرده برای خود و حاجی موسی بیک و پسران دیگرش اسب و چند تنگه تهیه کرده شباه از شهر خراج و راه سوریه پیش گرفتند. در سوریه مهسان حاجو آقایی از روسای بزرگ ملردن که رئیس اهل هوبرک ود شده از مشارالیه اطلاعاتی راجع به کیت غوی بون بدست آورده صداقت و وفاداری خود را به کیت مزبور کتباً اعلام و بوسیله قاصد مخصوص به هیت مرکزی ارسال داشتند.

و از آنجا بنا بدهستور تشکیلات بطرف ایران حرکت کردند دو شهر موصل بنایه روابط حسنه ای که بین دولت بریتانیای کبیر و ترکیه بود از حرکت آنان جاو گیری بسدل آمده ناچار مجدداً به سوریه مراجعت کردند حاجی موسی بیک بسیار پشیری شده پس از چندی در منزل جاو آقا قلب وطن خواهان را بفرق ابدی خود دادند از نوده رفیق راهش را تنها

« تقاضای رسیدگی »

استبداد حکم فرما آزادی سلب مشروطه در خطر مستعد می‌است هر گاه حکومت نظامی قانونی است چگونه تصویب نامه اطلاع عامه فرسیده این که حکومت نظامی را لشکر وسیله اغراض خصوصی نموده حیثیت و حقوق مردم را پایمال مینماید منتفی است توجه امر با استقلال نامبر در تاریخ مورخ فرماید فاسیل آزاد بور

کوهستان - این تلگراف دولتی به ۲۱/۶/۶۶ و اصل بجات تهریف روز پنجشنبه آن مندور نشد اگر چه از تاریخ تا وقت آزادی ۲۶ روز میگذرد مبادا هنوز تصحیح عادلانه گرفتار نشده بدیهی است از فرماده لشکر سابق و لاجرمی اوصیای انتظار را میبایست داشت زیرا کسانی را که بدون مجوز قانونی چند ماه قبل از اعلام حکومت نظامی بی جهت بازداشت شده‌اند هنوز بلا تائید در کج زندان نالانند حال که دیگر مستسکی مانده برقراری حکومت نظامی بدست او داده شده البته باید بقیع خود حد اکثر کوشش را برای خرد کردن مخالفان خرابکارهای خود بنماید از فرماده لشکر جدید کردستان انتظار داریم بعضی وود و بشکایات سینه مردم رسیدگی نموده و بر فرضی و حسن نیت خود را در راه خدمت بسملکت نشان دهد.

مجلس شورای ملی کیه جناب آقای نصرت وزیر کیه جناب آقای وزیر دادگستری کیه جناب آقای وزیر جنگ کیه جناب آقای آصف کیه جناب آقای مستدس کیه جناب آقای اردلان کیه جناب آقای عدو قاضی نمایندگان مجلس کیه جریده کوهستان کیه و بعد امروز کیه رهبر کیه آزادگان کیه مرد امروز.

یستم مرداد لشکر کردستان باستناد دستور ستاد ارتش حکومت نظامی زدهم مرداد اعلام فرماندار نظامی و خودتین و اقدامات شروع - منجمله ماح انتشار کوهستان شده بی همت توفیق - اول شهربور با آقای عباس آزادپور نماینده جریده فشار که ملزم شود آن را جدا منتشر نکند نامبرده با اصل بیستم هشتم قانون اساسی دستور کمی تاضا مینماید فرماندار عصبانی بدون مجوز و فرار مشارالیه زندانی شپانه نیرده مباح به محاصره منزل گمارده بدون تائید دادسرا یا دادگستری تعقیب نتیجه منفی اینکه به آرزوی خود فرسیده عصبانی تر مقداری اسناد که ضمن آن اوراق بهاء در بوده بنسناد لشکر منتقل صبح خود سرانه مهر بسته را شکسته باز اوراق را تعقیب شپانه اسناد هم تعریضند با همه هنوز آنها را پس نداده پدین ترتیب

قابل توجه نمایندگان مجلس

جناب آقای دکتر اردلان خواهشمند مراتب ذیل را جهت توجه کمیسیون دادگستری (قوانین) مجلس شورای ملی امر بدرج فرمایند.

هر آینه ممکن است برای اجرای نظریات اشخاص و بنا به - تقاضاهای مقاماتی در زیر امانه حفظ مصالح ملی کشور یا پاره پیش آمده حکومت نظامی در بعضی نقاط مستقر گردد - بک خلاف و یا جرمی که خیلی عادی باشد در حکومت نظامی مجازات آن براتب شده بدین بوده و در واقع بک اعلان فرمانداری نظامی یا - حیثیت و همتی و حیثیت اشخاص تماس داشته و بلکه بازی میکند - دولت همانطوریکه میبخواهد تنبیهات را در برخی مواقع اقد مجازات کثیر بدهد یا پستی صلاح ملت را نیز منظور نظر نموده و تبدیلی در قوانین خیلی شایق را فراهم کند تا اینکه بعضی از زمان و احتیاجات بشری باوضع واحوال مردم تطبیق کند و در واقع قابل قبول دیای شدن امروزی باشد

مثلا قانون صلاحیت و تشکیل دادگاه موقت حکومت نظامی مصوب ۱۳۲۹ قمری براتب از قوانین و آیین نامه های و آزده بر آن که در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ شمسی بهتر و مفیدتر است - زیرا دادگاهی که تمام کارکنان آن نظامی باشند کاملاً تحت تأثیرات و دستورات حکومت واقع گردیده و از خود شهادت و استنلالی ندارند بلکه حکومت نظامی پستی قضی و حاکم دادگاه قاضی و مستطلق و مدعی الموم مجری خواهند بود در واقع درست مفهوم مخالف را از آن باید استنباط کرد.

برای اینکه بتوان تا بک اندازه باین قضایا سر و صورتی داد بهتر است موادی از قانون و آیین نامه‌ها را صلاح و املاش رکت قضات و دادیاران غیر نظامی وزارت دادگستری را در جریانات معاملات مزبور دخیل نمود که بتواند با استقلال رای بدون اینکه فرمایش حکومت نظامی و خواهش اشخاص بتواند در سرنوشت اشخاص اثر بدی داشته باشد از حیثیات مردم دفاع کند.

زیرا امروز دادگاه حکومت نظامی جز اجرای دستور و تائید نظر آمرین جلب اشخاص اقدام دیگری نتواند انجام داد. اینک خواهشمند نظر قنون را بصورت مسابقه در آورده و از اجتماع صدق هر ایش فوق را استفسار فرمایند.

زیرا نگارنده خود ارگرتقاران این دام و این دادگاه بوده و خوب ناظر اجرای اوامر حکومت و دم که چگونه باز پرس، دادستان در تمام مراحل معاملاتی نکتة نکتة نظر حکومت نظامی را متابعت کرده و بدون رعایت اصول قانون اساسی و متمم آن و قانون جزایی توقیف فرمایشی و دادگاه فرمایشی کار میکرد و چگونه دادگاه بد احراز دلایل براتب از دستور حکم عاجز بود بالاتر از همه دادگاه حدود اختیار و حدود صلاحیت رسیدگی بیزمه‌ها را نیز از لحاظ مدت قدمت ارتکاب رعایت نمیکند.

عباس آزاد پور

محل اداره: خیابان پهلوی

روبروی کوچه مریم خاله وزیری تلفن ۸۵۳۹

چاپخانه کشاورزی

تلفن ۴۷۸۷

اگهی

بانک ملی ایران برای اینکه تمام اهالی شهر بتوانند با سرعت و وقت مراجعت بانکی خود را انجام دهند علاوه بر شعبه مرکزی و شعبه بازار پانزده باجه در محله مختلف شهر باز کرده است.

این باجه ها علیات ذیل را مانند بانک مرکز ایجاد میدهند:

- ۱ - باز کردن حساب جاری
- ۲ - باز کردن حساب پس انداز
- ۳ - قبول برات عهده شهرستاهای تهران برای وصول
- ۴ - صدور حواله پستی و تلگرافی عهده شعبه ها و نمایندگیها

بانک ملی ایران در یکصد و چهارده شهر ایران شعبه و نمایندگی دارد.

بانک ملی ایران که بک بشکاه ملی ایرانی است کوشش میکند از هر جهت رضایت مشتریان معترم خود را جلب بنماید و از این جهت از هموم آنها تنبی میکند چنانچه معترض عدم رضایتی از عملیات بانک و یا سلوک کارمندان آن داشته باشند مراتب را فوراً برپس شعبه و یا اداره بازرسی کل هر اداره مرکزی، خیابان فردوسی اطلاع دهند

در تمام باجه ها و شعبه ها و نمایندگیهای بانک میتوان حساب پس انداز باز کرد.

مستدق پس انداز ملی در هر سال مبلغ عهده ای برسم جایزه بین داوطلبان حساب تقسیم نمیشد. ش ۱۴ ۲-۲

بلی کابینک تهران

بلی کابینک تهران تحت نظر آقایان دکتر عبدالصمد اردلان - دکتر هوشنگ ظفری و دکتر جهانگیر جهاننادر اداره میشود بلی کابینک تهران دارای بخش های معتدله پزشکی میباشد. آدرس: تهران خیابان سوم اسفند